صفات الشيعة

علی علیه السلام

تالیف : شیخ صدوق

ترجمه و تصحیح : دکتر امیر توحیدی

انتشارات زراره

بسم الله الرحمن الرحیم

صفات الشیعه

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صفات الشیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه، محمد بن علی ، ۳۱۱- ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : صفات الشیعه . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : صفات الشیعه / تالیف شیخ صدوق؛ ترجمه و تصحیح امیر توحیدی.

مشخصات نشر : تهران: منیر ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : [۱۳۵] ص.: نمونه.

شابک : ۱۴۰۰۰ریال (چاپ اول) ؛ ۱۹۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۵۶-۱ ؛ ۲۲۰۰۰ ریال(چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : فارسی - عربی

یادداشت : چاپ قبلی: زراره، ۱۳۸۰ (۱۳۱ ص).

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ق.

شناسه افزوده : توحیدی، امیر، ۱۳۴۱ - ، مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۲۹ /الف۲ص۷۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۲۰۶۵

تقریظ استاد ارجمند و محقق فاضل جناب آقای علی اکبر غفاری

بسمه تعالی اینجانب متن و ترجمه این اثر شریف را با کمال دقت مطالعه کردم، متن آن را از نظر تصحیح و اعراب گذاری، دقیق و ترجمه را از جهت صحت رعایت قواعد ادبی و روانیِ الفاظ کاملا درست و با دقّت یافتم.

خداوند به عامل آن آقای امیر توحیدی- ابقاه اللّه تعالی- جزای خیر دهد و او را برای احیای آثار مذهبی توفیق عنایت فرماید.

علی اکبر غفاری

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

و صلّی اللَّه علی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین و لعنه اللَّه علی اعدائهم اجمعین خداوند بزرگ و ذوات مقدسه محمّد و آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را بسیار سپاسگزارم که توفیق را رفیق این کمترین فرمودند تا یکی از آثار گرانبها و ارزشمند مکتب شیعه را- که توسط عالمی بزرگ و فقیهی گرانقدر در بیش از هزار سال پیش تألیف گشته- به طرز بدیعی تصحیح و ترجمه نمایم.

این اثر نفیس (صفات الشیعه)، به همراه اثر دیگری از شیخ صدوق به نام «فضائل الشیعه» ظاهرا برای نخستین بار توسط فاضل ارجمند، جناب آقای حسین فشاهی و با مقدمه بسیار خوبی از ایشان در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه شده و در ایران به زیور طبع درآمده است.

در اینجا بر خود لازم می دانم، به مصداق «الفضل لمن سبق» «۱» برای ایشان و تمام کسانی که در این امر خدا پسندانه همکاری و مساعدت نموده اند و در راه احیای آثار اهل بیت علیهم السّلام قدم مثبتی برداشته اند، از درگاه قدس ربوبی، طلب رحمت و مغفرت و علوّ درجات نمایم «جزاهم اللَّه خیر الجزاء».

---

(۱)- «برتری از آن کسی است که پیشی گرفته است».

اما از آنجا که کتاب مذکور خالی از اعراب بود و استفاده از آن برای کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند مشکل می نمود، بسیار شائق بودم که در فرصتی مناسب، این نقیصه را برطرف نمایم تا اینکه صدیق ارجمند، جناب آقای سیّد علی مدنی- که به حقّ یکی از ارادتمندان واقعی به مکتب اهل بیت علیهم السّلام است- به اینجانب پیشنهاد فرمود تا این اثر ماندگار را اعراب گذاری و با دقت بیشتری ترجمه نمایم.

از پیشنهاد ایشان به گرمی استقبال نمودم و برای نیل به این مقصود، مصمّم شدم نسخه های خطی این کتاب را تهیه کرده تا در چاپ جدید، اغلاط فراوانی را که در سند، متن و ترجمه کتاب مذکور بود، در حد «بضاعه مزجاه» خویش برطرف نمایم. لذا سه نسخه خطی آن را از کتابخانه مجلس «۱»، کتابخانه دانشگاه تهران «۲» و کتابخانه آقای مرعشی «۳» تهیه کرده و با استفاده از نسخه چاپی، به این امر مبادرت ورزیدم و در این مسیر، تمام روایاتی را که مرحوم علّامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» از کتاب «صفات الشیعه» صدوق «علیه الرحمه» آورده بود، با نسخ مذکور مطابقت نمودم تا بدین طریق هم از نسخه های متعدّدی که در اختیار علّامه مجلسی بوده بهره مند شویم و هم از نظرات و بیانات این مرد فرزانه و کم نظیر در ذیل این احادیث توشه ای برگیریم.

بعد از اتمام کار، کتاب را به استاد ارجمند و محقّق فاضل، جناب آقای علی اکبر غفاری- که به حقّ یکی از احیاگران آثار اهل بیت علیهم السّلام در زمان ما

---

(۱)- نسخه خطی کتابخانه مجلس، در این کتاب با

رمز (ن- م) مشخص شده است.

(۲)- نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، در این کتاب با رمز (ن- د) مشخص شده است.

(۳)- نسخه خطّی کتابخانه آقای مرعشی، در این کتاب با رمز (ن- مر) مشخص شده است.

هستند- تقدیم داشتم تا اگر هنوز اشتباهات و اغلاطی در آن بجای مانده اصلاح فرمایند. جناب استاد نیز قبول زحمت فرموده و اصلاحات و نظراتشان را مرقوم داشتند که عینا منعکس گردید.

در خاتمه، از زحمات فراوان فاضل ارجمند، جناب آقای مصطفی ثقفی که در تطبیق و تصحیح احادیث این کتاب با سایر منابع روایی، این بنده را اعانت فرمودند، تشکر و قدردانی می نمایم.

امید است این خدمت ناچیز، مقبول خاطر عاطر ولیّ اللّه الاعظم، حضرت حجّه بن الحسن العسکریّ «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» واقع گردد.

امیر توحیدی تهران ۱۸/ ۱۰/ ۷۸ برابر با شب عید سعید فطر ۱۴۲۰ ه. ق

مقدمه:

اشاره

محمّد بن علیّ بن حسین بن بابویه قمیّ، مشهور به «شیخ صدوق» در سال ۳۰۶ یا ۳۰۷ (ه. ق) در خاندان علم و تقوی در شهر مذهبی قم، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش، علیّ بن حسین بن بابویه قمیّ، از برجسته ترین علما و فقهای زمان خود بود. او در بازار، دکّان کوچکی داشت و از طریق کسب و تجارت، در نهایت زهد و عفاف، امرار معاش می کرد.

همچنین، ساعاتی از روز را نیز در منزل، به تدریس و تبلیغ معالم دین و نقل روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می پرداخت.

جلالت شأن و منزلت این فقیه بزرگوار، تا بدان پایه رسید که حضرت امام حسن عسکری

علیه السّلام، طی نامه ای او را با القابی چون «شیخی»، «معتمدی» و «فقیهی» مورد خطاب قرار داد.

چون این نـامه دارای مضـامین بسـیار بلنـدی است و در طی آن، نکـات دقیقی بیان شـده که آگاهی بر آن، برای سالکین سبیل ولایت کبرویه مرتضویه، ضروری به نظر می رسد، لذا متن آن را عینا در اینجا نقل می کنیم:

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶

نامه امام حسن عسکری علیه السّلام به علیّ بن بابویه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ و العاقبه للمتّقین و الجنّه للموحّدین و النّار للملحدین و لا عدوان الّا علی الظّالمین و لا اله الّا اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ و الصّلوه علی خیر خلقه محمّد و عترته الطّاهرین.

امّا بعد اوصیک یا شیخی و معتمدی و فقیهی ابا الحسن علیّ بن الحسین بن بابویه القمیّ- وفّقک اللَّه لمرضاته و جعل من صلبک اولادا صالحین برحمته- بتقوی اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِیتاءِ الزَّکاهِ فانّه لا تقبل الصّلاه من مانع الزّکاه و اوصیک بمغفره الذّنب و کظم الغیظ و صله الرّحم و مواساه الاخوان و السّعی فی حوائجهم فی العسر و الیسر و الحلم و التّفقّه فی الدّین و التّثبّت فی الامر و التّعاهد للقرآن و حسن الخلق و الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر، فانّ اللَّه عزّ و جلّ قال: لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ و اجتناب الفواحش کلّها و علیک بصلاه اللّیل فانّ النّبیّ صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم اوصی علیّا علیه السّلام فقال: یا علیّ علیک بصلاه اللّیل علیک بصلاه اللّیل علیک بصلاه اللّیل و من استخفّ بصلاه اللّیل فلیس منّا، فاعمل بوصیّتی و أمر شیعتی حتّی یعملوا علیه

و علیک بـالصّبر و انتظار الفرج فانّ النّبیّ صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم قال: افضل اعمال امّتی انتظار الفرج، و لا تزال شـیعتنا فی حزن حتّی یظهر ولدی الّذی بشّـر به النّبیّ صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بملاء الارض قسط و عدلا کما ملئت ظلما و جورا. فاصبر یا شیخی یا ابا الحسن علیّ و أمر جمیع شیعتی

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷

بـالصّبر فـانّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ و السّـلام علیک و علی جمیع شـیعتنا و رحمه اللَّه و برکاته و صلّی اللَّه علی محمّد و آله» «۱».

امام حسن عسکری علیه السّلام در این نامه، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر و عترت طاهرینش می فرماید:

ای فقیه مورد اعتمـاد من، علی بن الحسـین بن بابویه القمی، خداونـد تو را به کارهای مورد رضایتش توفیق دهـد و از نسل تو، اولاد صالح بیافریند. تو را به رعایت تقوی و برپا داشتن نماز و ادای زکات وصیّت می کنم، به رعایت تقوی و بر پا داشتن نماز و ادای زکات زیرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد. و نیز تو را سفارش می کنم به بخشایش گناه دیگران، و خویشـتن داری به هنگـام خشم و غضب، ارتباط با خویشاونـدان، تعاون و همکاری با برادران دینی و کوشـش در رفع نیازهای آنهـا در تنگـدستی و گشاده دستی، بردباری و کسب آگاهی و معرفت در دین. در کارها ثابت قـدم و با قرآن هم پیمان باش، اخلاـق خـود را نیکـو گردان و دیگران را به کارهـای شایسـته امر کن و از پلیـدی هـا بـاز دار، زیرا خداونـد فرموده است: «در بسیاری

از سخنان آهسته و در گوشی آنها، هیچ خیری نیست مگر اینکه ضمن آن، به صدقه یا کار نیک و یا اصلاح بین مردم امر نمایند» [و بطور کلّی] تو را سفارش می کنم به خودداری از تمام معاصی و گناهان.

نماز شب را ترک مکن، زیرا پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در وصیّت خود به

---

(۱)- «معادن الحکمه فی مکاتیب الائمّه» تألیف علم الهدی محمد بن المحسن بن مرتضی الکاشانی، ج ۲، ص ۲۶۵، چاپ جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

علیّ علیه السّلام، سه مرتبه فرمود: «بر نماز شب مواظبت نما. و [آگاه باش] هر کس نسبت به نماز شب بی اعتنا باشد، از ما نیست» پس ای علیّ بن الحسین، تو خود به سفارشات من عمل کن و شیعیان مرا نیز دستور ده تا عمل کنند.

نیز تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می کنم، زیرا پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است». شیعیان ما همواره در غم و اندوه به سر می برند تا فرزندم ظهور کند، همان کسی که پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم بشارت آمدنش را داده است. او زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

پس بار دیگر ای علیّ بن بابویه، تو را به صبر و استقامت توصیه می کنم و تو نیز به همه شیعیان و پیروان مرا به صبر و استقامت فرمان بده. «به راستی زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که

بخواهد به ارث می دهد و عاقبت از آن پرهیزگاران است».

سلام و رحمت و برکت حقّ بر تو و بر همه شیعیان ما، و درود خداوند بر محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آل او. «۱»

---

(۱)- این نامه را اکثر محقّقین و صاحبان تراجم نقل نموده انـد که از جمله آنها، می توان از علامه بحرانی در «لؤلؤه البحرین»، ص ۳۸۴، محقّق خوانساری در «روضات الجنّات»، ج ۴، ص ۲۷۳، علامه مجلسی در «بحار الانوار»، ج ۵۰، ص ۳۱۷ و ۳۱۸، محدّث نوری در «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۵۲۷، قاضی نور اللَّه شوشتری در «مجالس المؤمنین»، ج ۱، ص ۴۵۳، محدّث قمی در «فوائد الرضویه»، ص ۲۸۱، و علامه شیخ محمّد تقی تستری در «قاموس الرّجال»، ج ۶، ص ۴۷۴، نام برد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹

چگونگی ولادت

عمر با برکت علیّ بن بابویه از پنجاه می گذشت و هنوز فرزندی نداشت، لذا نامه ای به محضر مبارک حضرت ولیّ عصر علیه السّلام نوشت و از آن حضرت درخواست کرد برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندی صالح و فقیه مرحمت فرماید.

ابو جعفر بن علیّ الاسود می گوید: من نامه ابن بابویه را به حسین بن روح، سومین نایب خاصّ حضرت حجّت رساندم. پس از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علیّ بن حسین بن بـابویه دعا فرموده و «انّه سیولد له ولـد مبارک ینفع اللَّه به و بعـده اولاد» به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می فرماید و به سبب او [به مردم] خیر می رساند و بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) مرحمت می فرماید.

شیخ صدوق

در یکی از کتابهایش به نام «کمال الدین»، ضمن نقل موضوع فوق، اضافه می کند که هر گاه ابو جعفر بن علیّ الاسود مرا می دید که برای طلب علم و دانش به محضر استاد می رفتم، به من می فرمود: این علاقه و اشتیاق تو به علم، تعجّبی ندارد، زیرا تو به دعای امام زمان علیه السّلام متولّدشده ای.

مرحوم علّامه مجلسی نیز در کتاب ارزشمند «بحار الانوار»، این قضیه را از معجزات حضرت ولیّ عصر علیه السّلام دانسته است. «۱»

---

(۱)- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و ۳۳۶

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۰

دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد شیخ صدوق

اشاره

همه علما و فقهای بزرگ اسلام، با دیده احترام و تعظیم به شیخ صدوق نگریسته اند و عدالت او را توثیق نموده و مقام شامخ علمی او را با عباراتی بلند تصدیق نموده اند. ما در اینجا اظهار نظر برخی از علمای بزرگ اسلام را یادآور می شویم:

۱- فقیه نامدار، شیخ طوسی در معرّفی شیخ صدوق می گوید:

«محمّد بن علیّ بن بابویه القمّی جلیل القدر یکنّی ابا جعفر کان جلیلا، حافظا للاحادیث، بصیرا بالرّجال ناقدا للاخبار لم یر فی القمّیّین مثله فی حفظه و کثره علمه، له نحو من ثلاث مائه مصنّف».

او دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال کاملا آگاه، و در سلسله احادیث، نقّادی عالی مقام به شمار می آمد و در میان علمای قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات، بی نظیر بود و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود به یادگار گذاشت.

۲- رجالی کبیر نجاشی چنین می نویسد:

ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، بزرگ ما و فقیه ما و چهره برجسته شیعه در خراسان است. به بغداد نیز وارد شد و با اینکه در سنّ جوانی بود، همه بزرگان شیعه (شیوخ الطائفه) از او استماع حدیث می کردند.

۳- سیّد بن طاوس می فرماید:

شیخ صدوق کسی است که همه بر علم و عدالت او اتفاق دارند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱

۴- علّامه مجلسی در وصف او چنین می گوید:

«من عظماء القدماء التّابعین لآثار الائمّه النّجباء الّذین لا یتّبعون الآراء و الاهواء و لذا ینزل اکثر اصحابنا کلامه و کلام ابیه (رضی اللَّه عنهما) منزله النّصّ المنقول و الخبر المأثور» شیخ صدوق از بزرگترین علمای گذشته است و از جمله کسانی است که از آثار امامان بزرگوار تبعیت می کنند، نه از پندارها و خواهشهای نفسانی خود، و به همین دلیل است که اکثر علمای شیعه، کلام وی و پدرش را به منزله حدیث و روایات اهل بیت علیهم السّلام می دانند.

۵- علّامه سیّد هاشم بحرانی بعد از اشاره به عظمت شیخ می گوید:

جمعی از اصحاب، ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح الارشاد» و سیّد محقّق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می دانند و به آنها عمل می کنند، زیرا همان گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است.

۶- سیّد محمّد باقر خوانساری، صاحب روضات الجنّات نیز این چنین آورده است:

«شیخ العلم الامین، عماد الملّه و الدّین، رئیس المحدّثین، ابو جعفر الثّانی ... المشتهر بالشّیخ الصّدوق، امره فی العمل و العداله و الفهم و النّباله و الفقه و الجلاله و الثّقه و حسن الحاله و کثره التّصنیف و جوده التّألیف و غیر ذلک من صفات البارعین و سمات الجامعین اوضح من ان یحتاج الی بیان او یفتقر الی تقریر القلم فی مثل هذا المکان».

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۲

شخصیت نامدار و مورد اعتماد، پایه و ستون دین، رئیس محدّثین، ابو جعفر دوم ...، مشهور به شیخ صدوق، در علم و عدالت و فهم مطالب و برجستگی شخصیت و فقاهت و جلالت قدر و وثوق و درست کرداری و تصانیف بسیار و حسن سلیقه ای که در تنظیم و تألیف آنها بکار برده و در آراستگی به همه صفاتی که زیبنده شخصیتهای نامی و صاحبان فضل و کمال است، بالاتر از آن است که نیازمند به بیان و گفتار یا محتاج به تقریر قلم و نوشتار باشد.

۷- و از همه محکمتر، کلام بلند و رسای علّامه بحر العلوم طباطبائی است که به شیواترین تعبیرات، حقّ مطلب را ادا کرده است. متن کلام سیّد بحر العلوم در تعریف شیخ صدوق، چنین است:

«شیخ مشایخ الشیعه و رکن من ارکان الشّریعه رئیس المحدّثین و الصّدوق فیما یرویه عن الائمّه علیهم السّلام ولد بدعاء صاحب الامر صلوات اللَّه علیه و نال بذلک عظیم الفضل و الفخر وصفه الامام علیه السّلام فی التّوقیع الخارج من ناحیه المقدّسه بانّه فقیه، خیّر مبارک، ینفع اللَّه به، فعمّت برکته الانام، و انتفع به الخاصّ و العامّ و بقیت آثاره و مصنّفاته مدی الایّام و عمّ الانتقاع بفقهه و حدیثه فقهاء الاصحاب و من لا یحضره الفقیه من العوامّ ...» شیخ صدوق، بزرگ بزرگان و استاد راویان شیعه و ستونی از ستونهای شریعت اسلام و پیشوای محدّثین است

و در آنچه از امامان شیعه علیهم السّلام نقل می کند، راست گفتار است. او به دعای حضرت صاحب الامر علیه السّلام به دنیا آمد و همین فضیلت و افتخار بزرگ او را بس که امام عصر علیه السّلام در نامه مبارکش، او را با کلماتی همچون «فقیه» (دانشمند)، «خیّر» (نیکوکار)، «مبارک» (با برکت)، «ینفع اللّه به» (از جانب خداوند سود بخش) وصف فرموده

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۳

است. از این رو، خیر و برکت او، شامل حال مردم گردید و خواصّ و عوام، از او نفع بردند و کتابهای و تألیفاتش تا همیشه روزگار باقی است. از فقه و حدیثش، هم دانشمندان استفاده می کنند و هم عامّه مردم که دسترسی به فقها ندارند.

تألیفات شیخ صدوق

شیخ صدوق، علاوه بر آثار متعدّدی که در زمینه های مختلف علوم اسلامی از خود به جای گذاشت، با بیان معارف و معالم دین، فرهنگ غنی شیعه را نیز هر چه بیشتر به جامعه معرفی نمود و در این راه، زحمات طاقت فرسایی را متحمّل گردید. او به راستی یکی از احیاگران علوم اهل بیت علیهم السّلام در تاریخ شیعه است.

شیخ طوسی فرموده: او (شیخ صدوق) سیصد کتاب تألیف کرده است و نجاشی حدود دویست کتاب از کتابهای صدوق را نام می برد، ولی چون ذکر همه آنها خارج از حوصله این کتاب است، لذا در اینجا تنها نام تعدادی از آثار مشهور شیخ صدوق را یادآور می شویم:

- «کتاب من لا یحضره الفقیه»، این کتاب، یکی از کتب اربعه فقه شیعه به شمار می رود.

- «مدینه العلم»، این کتاب که به گفته شیخ طوسی بزرگتر از «کتاب من لا یحضره الفقیه» است، حدود ۴۰۰

سال پیش ناپدید گشته است.

- «عیون اخبار الرضا»، «کتاب التوحید»، «الخصال»، «الامالی»،

«معانی الاخبار»، «علل الشرائع»، «کمال الدین و تمام النعمه»، «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» و ...

وفات شیخ صدوق

سرانجام این عالم بزرگوار، سرانجام پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شریف و پر برکتش، در سال ۳۸۱ ه. ق دعوت حق را لبیک گفت و در شهر ری دیده از جهان فرو بست.

پیکر پاکش در میان غم و اندوه شیعیان در نزدیکی مرقد مطهّر حضرت عبد العظیم الحسنی به خاک سپرده شد. آرامگاهش در این ایام به نام «ابن بابویه» در شهر ری مشهور است و قبر منوّرش، زیارتگاه دوست داران آل رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و محلّ استجابت دعای مؤمنان است.

ناگفته نماند اکثر تذکره نویسان، قضیه ای راجع به سالم ماندن پیکر شریف صدوق، پس از گذشت نهصد سال از وفات وی نقل کرده اند که ما نیز خلاصه آن را در اینجا ذکر می کنیم.

علّامه خوانساری متوفای ۱۳۱۳ ه. ق در کتاب ارزشمند «روضات الجنّات» می نویسد:

«از کرامات صدوق که در این اواخر به وقوع پیوسته و عدّه کثیری از اهالی شهر آن را مشاهده کرده اند، آن است که در عهد فتحعلی شاه قاجار، در حدود ۱۲۳۸ ه. ق، مرقد شریف صدوق که در

اراضی ری قرار دارد، از کثرت باران خراب شد و رخنه ای در آن پدید آمد. به جهت تعمیر و اصلاح آن، اطرافش را می کندند، پس به سردابه ای که مدفنش بود برخوردند. هنگامی که وارد سرداب شدند، دیدند که جثّه او همچنان تر و تازه، با بدن عریان

و مستور العوره باقی مانده و در انگشتانش اثر خضاب دیده می شود. در کنارش نیز تارهای پوسیده کفن، به شکل فتیله هایی روی خاک قرار گرفته است.

این خبر به سرعت در تهران منتشر شد و به گوش سلطان وقت رسید. وی با جمعی از بزرگان و امنای دولت، به جهت مشاهده حضوری به محلّ آمدند.

جمعی از علما و اعیان داخل سرداب شدند و صدق قضیه را به رأی العین مشاهده کردند. پس از آن، وی، دستور تعمیر و تجدید بنا و تزئینات آن بقعه را صادر کرد.» «۱» صاحب روضات که در آن زمان ۱۲ ساله بوده می نویسد:

«من خود بعضی از افرادی را که در آن واقعه حضور داشتند ملاقات نموده ام.» صاحب «تنقیح المقال» نیز همین قضیه را نقل نموده و اضافه می کند:

«چهل سال پیش به سند صحیح از سید ابراهیم لواسانی- یکی از علمای بزرگ تهران- نقل شده که وی خود از کسانی بوده است که

---

(۱)- روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۴۰، ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۳۷

به چشم خود جسد مطهّر را به همان حال که ذکر شد مشاهده کرده است. «۱» خدای او را رحمت کند و با پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السّلام محشورش گرداند. «۲»

---

(۱)- ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۳۸، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۸۶، به نقل از تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵

(۲)- ما این مقدّمه را از کتاب «شیخ صدوق»، تألیف حجت الاسلام محمّد علی خسروی تلخیص و اقتباس نموده ایم.

متن و ترجمه صفات الشیعه

اشاره

بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

حدیث اوّل

ابو بصیر گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

شیعیان ما پرهیزکار:، کوشا در کار خیر، وفادار، امانتـدار و اهل زهد و عبادتند. در هر شـبانه روز، پنجاه و یک رکعت نماز می گزارند. شبها را [به عبادت] بیدارند و روزها را روزه می گیرند. زکات مالشان را می دهند و حجّ خانه خدا را بجا می آورند و از هر کار حرامی دوری می کنند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۱

حدیث دوّم

حسین بن خالد گفت: حضرت رضا علیه السّلام فرمود:

شیعیان ما، تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را می پذیرند و با دشمنان ما مخالفند. پس هر کس این گونه نباشد، از ما نیست.

حدیث سوم

ابان بن عثمان گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس تقیه نمی کند، دین ندارد، و هر کس پرهیز از گناه نمی کند ایمان ندارد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۳

حدیث چهارم

مفضّل بن عمر گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

دروغ می گوید کسی که گمان می کند از شیعیان ماست، در حالی که به غیر ما تمسّک می جوید.

حدیث پنجم

پسر ابی نجران گفت: از امام رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هر کس با شـیعیان ما دشـمنی ورزد، با ما دشمنی ورزیده، و هر کس شیعیان ما را دوست بدارد، ما را دوست داشته، چون آنها از ما هستند و از سرشت ما خلق شده اند.

هر کس آنان را دوست بدارد، از ماست، و هر کس آنها را دشمن بدارد، از ما نیست. شیعیان ما به نور خدایی می نگرند و در رحمت خداوند غوطه ورند و به کرامت الهی رستگارند. هیچ یک از شیعیان ما مریض نمی شود مگر این که ما به خاطر بیماری او بیمار می شویم، و مغموم و اندوهگین نمی شود مگر این که ما به خاطر غم و غصه اش اندوهناک می شویم، و شاد نمی شود مگر این که ما به خاطر شادی اش فرحناک می شویم. هیچ یک از شیعیان ما، در هر کجا که باشد، چه در مشرق و چه در مغرب، از ما پنهان و غایب نیست. هر کدام از آنها از دنیا برود و از خود قرضی بجا گذارد، ادای آن بر عهده ماست و اگر مالی از خود بجا گذارد، تعلّق به وارثانش دارد. شیعیان ما کسانی هستند که نماز بر پا می دارند، زکات می دهند، حجّ خانه خدا را بجا می آورند،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۵

ماه رمضان روزه می گیرند، اهل بیت پیامبر را دوست می دارند و از دشمنانشان بیزاری می جویند. آنها اهل ایمان و تقوی و اهل ورع و پرهیزکاریند. هر کس [مقاله] آنها را نپذیرد، [دین] خدا

را نپذیرفته و هر کس به آنها طعنه زند و سرزنشـشان نماید، خدا را سـرزنش کرده، چون اینها بندگان حقیقی خداوند و اولیای راستین او هستند.

به خدا سوگند، هر یک از آنها در جماعتی مثل قبیله ربیعه و مضـر [که به زیادی نفرات در عرب مشهورند] شفاعت می کند و خداوند شفاعت او را در باره آنها می پذیرد و این، برای کرامتی است که اینان در پیشگاه خدا دارند.

حدیث ششم

محمّد بن حمران گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس کلمه طیبه «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» را با اخلاص بگوید، داخل بهشت می شود و اخلاصش به این است که «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ»، او را از آنچه خداوند حرام کرده است باز دارد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۷

حدیث هفتم

زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس «لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» را بـا اخلاص بگویـد، داخل بهشت می شود و اخلاصـش به این است که «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ»، او را از آنچه خداوند حرام کرده است باز دارد.

حدیث هشتم

ابو عبیده حذّاء گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم مکّه را فتـح کرد، بر کوه صـفا رفت و [با صـدای بلند] فرمود: ای فرزندان هاشم، ای فرزندان عبد المطّلب، همانا من رسول خدا به سوی شما هستم و نسبت به شما دلسوز و مهربانم.

نگویید محمّد از ماست، [زیرا] به خدا سوگند، دوستان من، از بین شما و غیر شما، تنها پرهیزکارانند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۹

آگاه باشید، من شما را در روز قیامت نخواهم شناخت، زیرا در حالی به نزد من می آیید که [محبّت و تعلّقات] دنیا را به دوش می کشید، و [بر خلاف شما] عده ای از مردم می آیند که [توشه] آخرت را با خود حمل می کنند.

آگاه باشـید، من بین خودم و شـما، و بین خدا و شما، عذر و بهانه ای باقی نگذاشتم. همانا من مسئول عمل خودم هستم و شما نیز در گرو عمل خودتان هستید.

حدیث نهم

محمّد بن قیس از امام باقر علیه السّلام از پدرش از جدّش از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

همنشینی با افراد شرور، بدگمانی به نیکان را به دنبال دارد و همنشینی با نیکان، افراد شرور را به خوبان ملحق می کند و همنشینی زشتکاران با نیکان، زشتکاران را به خوبان ملحق می سازد. پس هر کس، امرش بر شما مشتبه شد و از دینش آگاهی نداشتید، به همنشینانش نگاه کنید، اگر اهل دیانت بودند، او هم بر دین خداست، و اگر اهل دیانت نبودند، او نیز بهره ای از دین ندارد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۱

همانا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و

آله و سلّم می فرمود: هر کس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، هرگز با هیچ کافری، برادری [و دوستی] نمی کند و با هیچ زشتکاری، همنشینی نمی نماید.

هر کس با کافری برادری [و دوستی] نماید و یا با فاجر و زشتکاری همنشینی کند، خود او نیز کافر و فاجر است.

حدیث دهم

ابن فضال گفت: از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هر کس به کسی که از ما بریده است بپیوندد، یا با کسی که به ما پیوسته است، قطع رابطه نماید، یا مدح و ستایش از کسی کند که بر ما عیب می گیرد، یا گرامی بدارد کسی را که با ما مخالف است، از ما نیست و ما هم از او نیستیم.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۳

حدیث یازدهم

ابن فضال گفت: حضرت رضا علیه السّلام فرمود:

هر کس با دشمنان خدا دوستی کند، با دوستان خدا دشمنی کرده است و هر کس با دوستان خدا دشمنی نماید، با خدای بزرگ دشمنی کرده است و سزاوار است خداوند او را داخل آتش جهنم گرداند.

حدیث دوازدهم

از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

به خدا سوگند، شیعه علی علیه السّلام نیست، مگر کسی که شکم و عورتش را از حرام نگه بدارد و اعمالش را برای [جلب رضایت] پروردگارش انجام دهد و به ثواب و پاداش او امیدوار باشد و از کیفرش بهراسد.

حدیث سیزدهم

محمّد، پسر عجلان گفت:

من نزد امام صادق علیه السّلام بودم که مردی وارد شد و سلام کرد.

امام علیه السّلام از او پرسید:

برادرانت را در چه حالی ترک کردی؟

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۵

او [در پاسخ از برادران دینی اش] به خوبی یاد کرد و در ستایش آنها مبالغه نمود.

امـام علیه السّـلام به او فرمود: ثروتمنـدان آنها تا چه انـدازه به عیادت تهیدسـتانشان می رونـد و جویای احوال آنها می شونـد؟ گفت: به ندرت.

حضـرت فرمود: ارتبـاط مـالی ثروتمنـدان آنها با تهیدسـتانشان چگونه است [آیا توانگران به تهیدسـتان از نظر مالی کمک می کنند]؟ عرض کرد:

شما از اخلاق و صفاتی یاد می کنید که [اساسا] در بین ما نیست.

امام صادق علیه السّلام فرمود: پس آنها، چگونه می پندارند که از شیعیان ما هستند؟

حدیث چهاردهم

حسن خزّاز گفت: از امام رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

بعضـی از کسـانی که ادّعـای محبّت و دوستی ما را دارنـد، ضـررشان برای شـیعیان ما از دجّال بیشتر است. حسن گفت: عرض کردم: ای پسـر رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم به چه علّت؟ فرمود: به خاطر دوستی شان با دشمنان ما و دشمنی شان با دوستان ما. و هر گاه چنین شود، حقّ و باطل به هم در آمیزد و امر مشتبه گردد و مؤمن از منافق باز شناخته نشود.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۷

حدیث پانزدهم

علاء بن فضیل گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس کافری را دوست بـدارد، با خـدا دشـمنی کرده، و هر کس با کافری دشـمنی کنـد، با خـدا دوستی کرده است. سـپس فرمود: دوست دشمن خدا، دشمن خداست.

حدیث شانزدهم

جماعتی از شیعیان نقل کرده اند که امام صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس با شکّاکان مجالست نماید، خود او نیز اهل شکّ است.

حدیث هفدهم

معلّی بن خنیس گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۹

ناصبی (دشمن اهل بیت علیهم السّلام) کسی نیست که با ما آل محمّد عداوت و دشمنی داشته باشد، زیرا تو، کسی را پیدا نمی کنی که بگوید من نسبت به محمّد و آل محمّد بغض و کینه دارم، بلکه ناصبی آن کسی است که با شما دشمنی کند، در حالی که می داند شما ما را دوست دارید و از دشمنانمان بیزاری می جویید. همچنین آن حضرت فرمود: هر کس دشمن ما را سیر کند، مانند این است که دوست ما را به قتل رسانده است.

حدیث هجدهم

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

شیعیان علی علیه السّلام، شکمهایشان لاغر و لبهایشان خشکیده بود. آنها اهل رأفت و مهربانی و علم و بردباری بودند. اکنون نیز به زهد و بی رغبتی به دنیا شناخته می شوند. پس با پرهیزکاری از گناه، و سعی و تلاش در کارهای نیک، خودتان را بر آنچه به آن عقیده دارید (ولایت اهل بیت) یاری کنید.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۱

حدیث نوزدهم

ابو المقدام گفت: امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود:

شیعیان علی علیه السّلام چهره هایشان زرد رنگ، [بدنهایشان] لاغر و نحیف و لبهایشان خشکیده است. خشکی لبهایشان در اثر روزه داری است. شکمهایشان به پشتشان چسبیده و رنگ رخسارشان زرد گشته و صورتهایشان دگرگون شده است. وقتی شب آنها را فرا می گیرد، زمین را بستر خویش می گیرند و پیشانی هایشان را بر آن می نهند، در حالی که چشمهایشان گریان است و اشکهایشان فراوان. بسیار نماز می خوانند و دعا می کنند و کتاب خدا را زیاد تلاوت می کنند، مردم شادمانند و آنها اندوهگینند.

حدیث بیستم

سندی پسر محمّد نقل کرد:

روزی جماعتی پشت سر امیر المؤمنین علیه السّلام به راه افتادند. حضرت رویش را به سوی آنها برگرداند و فرمود:

شما کیستید؟

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۳

گفتند: یا امیر المؤمنین، ما از شیعیان تو هستیم. امام علیه السّلام فرمود:

پس چرا در سیمای شما آثار و نشانه های شیعه را نمی بینم؟ گفتند: آثار و نشانه های شیعه چیست؟ فرمود: در اثر شب زنده داری رنگ رخسارشان به زردی گراییده، در اثر روزه، شکمهایشان لاغر گشته و در اثر دعا و نیایش، لبهایشان خشکیده است و آنان را، غبار خشوع و فروتنی فرا گرفته است.

حدیث بیست و یکم

مفضّل گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

شیعه جعفر (امام ششم علیه السّلام) کسی است که شکم و فرج خود را از حرام باز می دارد، به شدّت [علیه نفسش] جهاد می کند، اعمالش را برای [رضای] خالقش انجام می دهد، به ثواب و پاداش او چشم امید دارد و از عقوبتش می هراسد. پس هر گاه این گونه اشخاص را دیدی، [بدان که] آنها شیعه جعفر بن محمّد علیهما السّلام هستند.

حدیث بیست و دوم

جابر جعفی گفت: امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود:

ای جابر، آیا کافی است برای کسی که ادّعای تشیّع دارد، بگوید که دوستدار ما اهل بیت است؟

به خدا سوگند، شیعه ما نیست مگر آن کسی که تقوای خدا را رعایت کند و از او اطاعت نماید. شیعیان ما شناخته نمی شدند، مگر

به تواضع، خشوع (فروتنی در عبادت)، ادای امانت، بسیاری ذکر خدا، روزه گرفتن، نماز به پا داشتن، نیکی به والدین و رسیدگی به همسایگانی که فقیر و نیازمندند.

همچنین رسیدگی به قرض داران و یتیمان، راستی در گفتار، تلاوت قرآن و بازداشتن زبان، از این که، جز نیکی مردم را نگویند، [نیز] شیعیان ما [همواره] در بین اقوام خویش امین بودند.

جابر گفت: ای پسر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، ما کسی را با این خصوصیات نمی شناسیم. حضرت، خطاب به او فرمود: ای جابر، افکار و آرای مختلف، تو را [از راه راست] بیرون نبرد. آیا کافی است مردی بگوید: من علی علیه السّلام را دوست دارم و از دوستداران او هستم، پس اگر بگوید من رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را دوست دارم [که بهتر است]-

زیرا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از علی علیه السّلام بهتر است- ولی از سیره او پیروی ننماید و به سنّتش عمل نکند، این دوستی برای او هیچ سودی نخواهد داشت. پس تقوای خدا را پیشه نمایید و برای آنچه نزد خداست، عمل کنید، زیرا بین خدا و بین هیچ کس، قرابت و خویشاوندی نیست.

محبوبترین بندگان نزد خداوند و گرامی ترین آنها در پیشگاه او، با تقواترین و مطیع ترین آنهاست.

ای جابر، جز با اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال، تقرّب به او حاصل نمی شود. تنها دوستی ما (آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) باعث رهایی از آتش نیست و هیچ یک از شما بر خدا حجّتی ندارد. هر کس مطیع خداست، ولیّ و دوستدار ماست و هر کس نافرمانی خدا را نماید، با ما دشمن است. ولایت ما اهل بیت، جز با عمل [به دستورات الهی] و پرهیز از گناه به دست نمی آید.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۷

حدیث بیست و سوم

از امام محمّد باقر علیه السّلام نقل شده است که فرمود:

جز این نیست که شیعیان علی علیه السّلام کسانی هستند که در راه ولایت ما (اهل بیت) به یک دیگر بخشش می کنند، در راه محبّت ما با هم دوستی می نمایند و برای زنده کردن امر ما، به دیدار یک دیگر می روند. اگر به خشم آیند، ظلم نمی کنند و اگر خرسند شوند، زیاده روی نمی کنند، برای همسایگانشان، مایه خیر و برکتند و با همنشینان خود در صلح وصفا به سر می برند.

حدیث بیست و چهارم

از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

شیعیان علی علیه السّلام، رنگ پریدگان، لاغران و خشکیده لبانند.

لبهایشان [در اثر ذکر خدا] خشکیده و شکمهایشان [در اثر روزه] لاغر گشته و رنگهایشان [در اثر شب بیداری] دگرگون شده است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۹

حدیث بیست و پنجم

امام محمّد باقر علیه السّلام به جابر فرمود:

ای جابر، همانا شیعه علی علیه السّلام کسی است که صدایش از گوشش تجاوز نمی کند و دشمنی اش از بدنش به دیگری

نمی رسد. دشمن ما را مدح و ستایش نمی کند، به کسی که بغض و کینه ما را دارد، نمی پیوندد و با کسی که بر ما عیب می گیرد همنشینی نمی کند.

شیعه علی علیه السّلام کسی است که همچون سگ زوزه نمی کشد، همچون کلاغ طمع نمی ورزد و اگر از گرسنگی هم بمیرد، چیزی از مردم (غیر از برادران دینی اش) درخواست نمی کند.

آنها زندگی محقّری دارند و خانه بدوشند. اگر [جایی] حضور داشته باشند، کسی آنها را نمی شناسد، و اگر غایب باشند، کسی سراغ آنها را نمی گیرد، اگر مریض شوند، کسی به عیادتشان نمی رود و اگر از دنیا بروند، کسی بر جنازه آنها حاضر نمی شود. آنان در درون قبرهایشان یک دیگر را زیارت می کنند.

جابر گفت، به امام عرض کردم: در کجا اینان را بجویم؟ فرمود: در اطراف زمین و در میان بازارها، و این، فرمایش خدای بزرگ است که [در باره این گروه] می فرماید: «نسبت به مؤمنین فروتن هستند و در برابر کافران، سرفراز و با عزّتند».

حدیث بیست و ششم

مفضّل بن قیس گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام به من فرمود:

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۱

شیعیان ما در کوفه چند نفرند؟ عرض کردم: پنجاه هزار نفر. حضرت پیوسته این سؤال را تکرار می کرد، تا این که فرمود: آیا امید داری بیست نفر باشند؟ و در ادامه فرمود: به خدا سوگند آرزو دارم در کوفه بیست و پنج نفر مرد باشند که امر [امامت] ما اهل بیت را که بر آن [ثابت و استوار] هستیم

بشناسند و علیه ما جز به حقّ سخنی نگویند.

حدیث بیست و هفتم

محمّد پسر علی ماجیلویه گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

در حیره و در زمان خلافت ابو العباس سفّاح بود که ابو جعفر منصور دوانیقی (برادر ابو العبّاس سفّاح) به من گفت: ای ابا عبد اللَّه، چرا شیعه شما در طی یک جلسه، تمام مطالبی را که در درون خود دارد فاش می کند، بطوری که مذهبش شناخته می شود؟ حضرت فرمود: این به سبب شیرینی ایمانی است که در سینه های آنهاست و در اثر شیرینی آن ایمان است که درون خویش را آشکار می سازند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۳

حدیث بیست و هشتم

از یکی از امامان علیه السّلام روایت شده است که فرمود:

بعضی از شما [دوستداران ما] نسبت به بعضی دیگر بیشتر نماز می خوانید و بعضی نسبت به بعضی دیگر، بیشتر حجّ بجا می آورید، و بعضی نسبت به بعضی دیگر، بیشتر صدقه می دهید. نیز بعضی نسبت به بعضی دیگر، بیشتر روزه می گیرید، ولی با فضیلت ترین شما کسی است که معرفتش [نسبت به ما] بیشتر باشد.

حدیث بیست و نهم

مفضل بن زیاد عبدی از امام جعفر صادق علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

همّ و غمّ شما (شیعیان) برای فراگیری آثار [و علوم] دینتان است، و همّ و غمّ دشمنانتان [آزار و اذیت] شماست و قلبهایشان با بغض و کینه شما آمیخته است. تمام آنچه را که از شما می شنوند، تحریف می کنند و از قول شما [برای خدا] شریک قرار می دهند و سپس به وسیله همین افترا، به شما بهتان و تهمت می زنند. پس همین عمل، به عنوان گناه و معصیت [برای به جهنم رفتنشان] در پیشگاه خداوند کافی است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۵

حدیث سی ام

سدیر گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

وقتی که روز قیامت فرا رسد، همه مردم را به نام مادرانشان می خوانند، به استثنای ما و شیعیانمان، زیرا در نژاد ما، خللی نیست.

حدیث سی و یکم

عبد اللَّه بن خالد کنانی گفت: امام موسی بن جعفر علیهما السّلام در حالی به سوی من آمد که ماهی ای در دستم بود. حضرت فرمود:

این را بینداز، زیرا من نمی پسندم مردی [از شیعیان ما] چیز بی ارزشی را خودش حمل کند. سپس فرمود: به راستی، شما [شیعیان] گروهی هستید که دشمنانتان بسیارند. ای جماعت شیعه، شما گروهی هستید که مردم با شما دشمنی می کنند، پس تا آنجا که می توانید، خودتان را در نظر آنان بیارایید.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۷

حدیث سی و دوم

مسعده بن صدقه گفت: از امام صادق علیه السّلام در مورد شیعیانشان سؤال شد. حضرت فرمود:

شیعه ما کسی است که انجام کارهای نیک را جلو می اندازد و از انجام کارهای زشت پرهیز می کند. او زیبایی را آشکار می سازد و با رغبتی که به رحمت خدای بزرگ دارد، به سوی کارهای بزرگ می شتابد. این چنین شخصی از ماست و [مسیرش] به سوی ماست و [در بهشت نیز] با ماست، هر کجا که باشیم.

حدیث سی و سوم

اصبغ بن نباته گفت: روزی علی علیه السّلام از خانه بیرون آمد، در حالی که ما گرد هم بودیم. پس فرمود:

شما کیستید. و برای چه جمع شده اید؟ عرضه داشتیم: یا امیر المؤمنین، ما گروهی از شیعیان تو هستیم. فرمود: پس چرا نشانه شیعه را در شما نمی بینم؟ عرضه داشتیم: نشانه شیعه چیست؟ فرمود: در اثر کم خوابی برای نماز شب، چهره هایشان زرد شده، چشمهایشان از ترس خدا کم سو و اشکبار گشته و لبهایشان در اثر روزه، خشکیده است، بر آنها گرد و غبار فروتنان نشسته است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۹

حدیث سی و چهارم

ابو بصیر گفت: به امام جعفر صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم، [صفات] شیعیانت را برایم وصف فرما. حضرت فرمود:

شیعه ما کسی است که صدایش از گوشش نمی گذرد و دشمنی اش از بدنش به دیگری تجاوز نمی کند. بارش را به دوش دیگری نمی اندازد و اگر از گرسنگی هم بمیرد، از غیر برادران دینی اش چیزی نمی خواهد.

شیعه ما کسی است که همچون سگ پارس نمی کند و همچون کلاغ طمع نمی ورزد. شیعه ما، سبک بار زندگی می کند و هر زمان در جایی مأوا می گیرد. شیعیان ما کسانی هستند که در اموالشان، حقّ مشخّصی برای دیگران قرار می دهند، با یک دیگر مواسات می کنند، هنگام مرگ، بی تابی نمی کنند و در قبرهایشان به زیارت یک دیگر می روند.

ابا بصیر گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم، اینان را کجا بجویم؟ فرمود: در اطراف زمین و بین بازارها، آن گونه اند که خدای بزرگ در کتابش [در باره آنها] فرموده است: «در برابر مؤمنین فروتن و در مقابل کافران سرفرازند».

حدیث سی و پنجم

عبد الرحمن بن کثیر گفت: امام صادق از پدرش امام باقر علیهما السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۱

مردی از اصحاب امیر المؤمنین علیه السّلام به نام همّام- که اهل عبادت بود- برخاست و به علی علیه السّلام عرض کرد: یا امیر المؤمنین، متّقین را به گونه ای برایم وصف کن که گویی آنان را می بینم. حضرت در پاسخ او [اندکی] درنگ کرد و سپس فرمود: وای بر تو ای همّام! از خدا بترس و نیکوکار باش، زیرا خدا با کسانی است که تقوی پیشه می کنند و نیکو کارند.

همّام گفت: یا امیر المؤمنین، به حقّ آن

کسی که تو را با ویژگیهای خاصّ ش گرامی داشته و با عطاهایش، برتری داده است، از تو می خواهم آنها (متّقین) را برایم وصف فرمایی.

در این هنگام امیر المؤمنین علیه السّلام برخاست، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت علیهم السّلام درود فرستاد و در ادامه فرمود:

اما بعد [از حمد خدا و صلوات بر پیامبر و اهل بیت گرامی آن حضرت صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم]، خداوند سبحان، جهانیان را در حالی آفرید که از طاعتشان بی نیاز و از نافرمانی شان در امان بود، زیرا نافرمانی عصیانگران به او زیان نمی رساند و فرمانبرداری اطاعت کنندگان به او سودی نمی بخشد. روزی آنها را بینشان تقسیم کرد و در دنیا، هر کدام را در جایی که در خور اوست قرار داد.

همانا خداوند، آدم و حوّا را به خاطر کاری که انجام دادند، عقوبت فرمود و از بهشت بیرونشان کرد، زیرا آن دو را [از نزدیک شدن به شجره] نهی کرد، ولی با او مخالفت کردند و از اجرای فرمانش سرپیچی نمودند.

امّا پرهیزکاران، در دنیا صاحبان فضیلتند. گفتارشان از روی راستی است،

پوشاکشان میانه روی و رفتارشان تواضع و فروتنی است. با اطاعت و فرمانبرداری برای خدا خضوع کردند، پس مبهوت [جمال او] شدند، از آنچه خدا بر آنها حرام کرده است، چشم پوشیده اند و به شنیدن علمی که برایشان سودمند است گوش فرا داده اند.

در سختی و گرفتاری، چنان به سر می برند که در آسایش و خوشی، و این، در اثر رضایت آنها از قضای خداوند است. اگر

خداونـد وقت مرگشـان را معیّن نکرده بود، ارواحشان از شوق رسـیدن به پاداش و از ترس عقوبت و عـذاب، یک چشم به هم زدن در بدنهایشان قرار نمی گرفت.

آفریدگار در جانشان بزرگ، و هر چه غیر اوست، در نظرشان کوچک است. آنها مانند کسـی هسـتند که بهشت را دیده و در آن متنعّم است و یا دوزخ را مشاهده کرده و در آن معذّب است.

قلبهایشـان انـدوهگین است و [مردم] از شـرّشان در امانـنـد، بـدنهایشان لاـغر و نیازهایشان انـدک است و نفسـهایشان عفیف، و رنجشان از دنیا بسـیار است. مـدّت کوتاهی [در این دنیا] صبر کردند که راحتی طولانی را برایشان به دنبال خواهد داشت. [داد و ستد با خـدا] تجارت سود آوری است که پروردگار کریمی آن را برایشان مهیّا فرموده است. دنیا آنها را خواسـته، ولی آنها دنیا را نخواسته اند. دنیا آنها را طلبیده، ولی آنها دنیا را عاجز و درمانده کرده اند.

اما شب هنگام به پا می ایسـتند و آیاتی از قرآن را تلاوت می کننـد، و خود را با آن انـدوهگین می سازند و [یا] از آن بشارت می طلبند.

در اثر گریه بر گناهانشـان و درد زخمهای درونشان، حزن و انـدوه آنان برانگیخته می شود و وقتی به آیه ای برمی خورنـد که در آن ترس و بیم است، با گوش دل آن را می شنوند و به آن چشم می دوزند

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۵

و پوسـتشان از [بزرگی و عظمت] آن آیه به لرزه در می آیـد و قلبشان ترسان می شود و گمان می کننـد که صدای جهنّم و بر آمدن و فرو شدن آتش دوزخ درون گوششان طنین انداز گشته است.

نیز هر گاه به آیه ای بگذرند که در آن تشویق است،

بـا علاـقه فراوان به آن میل می کننـد و با شوق و اشتیاق به آن می نگرنـد و گمان می برنـد که آن [نعمتها] در مقابل دیـدگان آنهاست. در حال رکوع و سـجود و در حالی که اشـکهایشان بر گونه هایشان جاریست، خداونـد جبّار بزرگ را به بزرگی یاد می کنند، و برای رهایی از آتش دوزخ، به درگاهش پناه می برند.

و اما هنگام روز، بردبار، عالم، نیکوکار و پرهیزکارنـد. ترس از خدا، آنان را همچون چوبه تیر تراشـیده و لاغر کرده است و از شـدّت لاـغری، همچون جوجه ای هسـتند که وقتی بیننـده ای به آنها بنگرد، گمان می کنـد که بیمارنـد، در صورتی که بیمار نیستند یا این که [بیننده] می گوید اینان دیوانه اند. همانا امر عظیمی [در باطن] با آنها در آمیخته است.

هنگامی که به بزرگی خداونـد و عظمت سـلطنتش می اندیشـند و آن را با یاد مرگ و ترس از سـختی های قیامت می آمیزند، دلهایشان ترسان می شود و بردباریشان از کف می رود و عقلشان زایل می شود و چون به هوش آینـد (به خود آینـد) با کردار پاک به سوی خداوند می شتابند.

از کارهای اندک خویش، که برای خدا انجام می دهند، اراضی نیستند و کارهای بسیار خود را هم زیاد نمی شمارند. نفسهای خود را متّهم می کنند و از کردارشان بیمناکند.

اگر یکی از آنهـا مـدح و سـتایش شود، از آنچه در بـاره اش می گوینـد می ترسـد و می گویـد: من به نفس خودم از دیگران آگاه ترم و پروردگارم به نفس من از خودم داناتر است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۷

خداونـدا، مرا به آنچه در بـاره ام می گوینـد، مؤاخـذه نفرمـا و مرا نیکوتر از آنچه در بـاره ام گمـان می برنـد، قرار ده و بر من ببخشای آنچه را که از من

نمی دانند، همانا تو پنهانی ها را می دانی و عیبها را می پوشانی.

از جمله نشانه های هر یک از آنها (متّقین) این است که می بینی در دین، قوی است و در عین نرمی، دور اندیش است. ایمانی سرشار از یقین دارد و در فراگیری علم حریص است. [او را می بینی که] در کسب و کار، نرم و ملایم، و در هزینه دادن دلسوز، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در تنگدستی بردبار، در سختی صبور و نسبت به رنجکشان، مهربان است. در راه حقّ می بخشد، در کسب مدارا می کند و در طلب حلال می کوشد. در راه هدایت، با نشاط است، از طمع دوری می کند.

ضمن پایداری در دین، نیکوکار است و هنگام [هجوم] شهوت، از حرام چشم پوشی می کند. مدح و ثنای کسی که نسبت به او جاهل است، او را فریب نمی دهد و بازنگری کارهایی را که انجام داده رها نمی کند. در انجام کار برای خودش کند است. کارهای نیک انجام می دهد و در عین حال، بیمناک و ترسان است. روز را به شب می رساند، در حالی که همّش شکرگزاری است، و شب را به روز می آورد در حالی که به ذکر حقّ مشغول است. شب با ترس می خوابد و صبح با شادمانی برمی خیزد.

ترسان است از غفلت، و شاد است برای آنچه که از فضل و رحمت [خداوند] به او رسیده است. اگر نفسش در آنچه به آن میل ندارد از او فرمان نبرد، او هم خواهش نفسش را در آنچه برایش زیانبار است برآورده نمی کند. شادی اش در آن چیزی است که ماندگار است و روشنی چشمش در آن چیزی است که پایدار است. میل و رغبتش به چیزی است

که باقی می ماند و زهد و بی رغبتی اش نسبت به چیزی است که از بین می رود. بردباری را با دانش به هم آمیخته

و دانش را بـا خرد درآمیختـه است. او را می بینی که از کسـالت و تنبلی [در امر دین] دور است و پیوسـته [در هـدایت] نشـاط دارد. آرزویش نزدیک و لغزشش اندک است. انتظار مرگ خود را دارد و قلبش خاشع و فروتن است. پروردگارش را یاد می کند و از گناهانش می ترسد.

نفسـش قانع و نادانی اش پنهان است. کارها را آسان می گیرد و نگهدار دین خود است. شـهوتش مرده و خشمش را فرو برده است.

اخلاقش صاف و پاک و همسایه اش از او ایمن است. تکبرش انـدک است و زیانی نـدارد. بسـیار خدا را یاد می کند و در امر دینش محکم و اسـتوار است. آنچه را با او به راز گویند، برای دوسـتانش فاش نمی سازد و گواهی خود را از دشـمنانش دریغ نمی دارد. هیچ کار حقّی را ریاکارانه انجام نمی دهد و به خاطر شرم و حیا آن را رها نمی کند. به خیر و خوبی او امیدوارند و از شرّش در امانند.

اگر در بین غافلان باشد، در شـمار ذاکران نوشـته می شود، و اگر در میان ذاکران باشد، از جمله غافلان نوشـته نشود. از کسی که به او ظلم کرده درگذرد، به کسی که او را محروم کرده عطا می کند، و به کسی که از او بریده می پیوندد.

حلـم و بردبـاری اش را از کـف نمی دهـد، در آنچـه او را بـه شـکّ می انـدازد، عجله نمی کنـد و از آنچه برایش [از بـدیهای دیگران] روشن شده، چشم پوشی می کند. جهالت از او دور است. سخنش نرم است، مکری

نـدارد، نیکی اش بـه دیگران می رسـد، سـخنش راست است و کردارش نیکـوست. نیکی اش رو آورده، و شرّش روگردانـده است. در سختی ها، آرام و با وقار و در ناگواریها، صبور و شکیبا است.

در فراوانی نعمت شکرگزار است، به دشمنش ستم نمی کند، و در مورد کسی که دوست دارد، به گناه نمی افتد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۱

ادّعای آنچه را از آن او نیست نمی کند و حقّی را که بر اوست انکار نمی نماید.

به حقّ اعتراف می کند، قبل از آن که علیه او شـهادتی داده شود، و آنچه محافظتش را از او خواسـته اند، تباه نمی سازد، آنچه را به او تـذکّر داده انـد، فراموش نمی کنـد و دیگران را با لقبهای زشت نمی خوانـد. به هیـچ کس سـتم نمی کنـد. حسـد نمی ورزد، و به همسایه اش ضـرر نمی رسانـد، و در مصـیبتهای دیگران شادی نمی کنـد. برای اقامه نماز شـتابان است، امانتها را به صاحبانشـان برمی گردانـد، برای انجـام کارهـای زشت کنـد است، امر به معروف و نهی از منکر می کنـد، در کارها با جهل و نادانی دخالت نمی کند، و با ناتوانی از حقّ خارج نمی شود.

اگر سـکوت کند، سـکوتش او را غمگین نمی سازد و اگر سـخن گوید، سـخن نادرست نمی گوید. اگر بخندد، صدای خنده اش از گوشـش نمی گذرد. به آنچه برایش مقدّر شده قانع است. خشـمش بر او سرکشی نکند، هوای نفس بر او چیره نگردد، بخل، او را شـکست نمی دهد و در آنچه به او تعلّق ندارد، طمع نمی کند. با مردم در آمیزد تا چیزی بیاموزد، سـکوت می کند تا سالم بماند، و می پرسد تا بفهمد.

سکوت نمی کنـد تـا اعجاب دیگران را برانگیزد و سـخن نمی گویـد تا به دیگران فخر بفروشـد. اگر بر او سـتم شود، صبر می کند تا خداوند

انتقام او را بگیرد. نفسش از او در رنج است، و مردم از او در آسایشند. نفسش را برای آخرتش به سختی انداخته، و مردم را از شرّ خودش راحت کرده است. دوری اش از دیگران به علّت بی رغبتی و کناره گیری [از مظاهر دنیا] است، و نزدیکی اش به آنان، از روی نرمی و رحمت است، لذا، دوری اش به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی نیست، و نزدیکی اش از روی خدعه و نیرنگ نمی باشد،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۳

بلکه از نیکوکارانی که قبل از او بوده اند، پیروی می کند و خودش پیشوای نیکوکارانی است که بعد از او خواهند بود.

در این هنگام همّام فریادی زد و جان باخت.

آنگاه امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند، از همین می ترسیدم.

و دستور داد او را برای دفن آماده کنند و خود آن حضرت بر او نماز گزارد و فرمود: پند و اندرزهای رسا، به آنان که اهل موعظه اند، این چنین اثر می کند.

یکی از حاضرین (عبد اللَّه بن کوّاء که از خوارج بود) گفت: یا امیر المؤمنین، چرا در تو چنین اثری نکرده است؟ حضرت فرمود: وای بر تو، زمان مرگ هر کس مشخص است که از آن تجاوز نمی کند و برای مرگش علّت و سببی است که از آن نمی گذرد. آرام باش و دیگر چنین سخنی نگو، همانا این سخن را شیطان بر زبان تو نهاد.

حدیث سی و ششم

صفوان بن مهران گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

مؤمن کسی است که هر گاه خشمگین شود، خشمش او را از [راه] حق بیرون نبرد و هر گاه خرسند شود، خرسندی اش او را به باطل نیندازد، و هر گاه قدرت یابد، بیش از حقّ

خویش برنگیرد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۵

حدیث سی و هفتم

علیّ بن عبد العزیز گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام به من فرمود:

ای علیّ بن عبد العزیز، گریه آنها (کسانی که به ظاهر دیندارند) تو را فریب ندهد، زیرا تقوی در قلب است.

حدیث سی و هشتم

عبد اللَّه بن سنان گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

ای بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و [این که] مردم را [به سبب افشای اسرار آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم] بر دوش خود سوار نکنید که خوار می شوید. خداوند بزرگ در کتابش می فرماید: «به مردم سخن نیک بگویید» آنگاه فرمود: به عیادت بیماران آنها بروید، بر جنازه هایشان حاضر شوید، به نفع و ضرر آنها گواهی دهید، با آنان در مساجدشان نماز گزارید و حقوقشان را ادا نمایید. سپس فرمود: چه چیز دشوارتر [مصیبت بارتر] است بر گروهی که گمان می نمایند از گروهی دیگر پیروی می کنند و سخنانشان را می پذیرند، اما وقتی آنان را امر و نهی می کنند، نمی پذیرند و احادیثشان [اسرارشان] را نزد دشمنانشان افشا می کنند. سپس آن دشمنان نزد ما (آل محمّد علیهم السّلام) آمده

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۷

و می گویند: گروهی چنین می گویند و چنان روایت می کنند، و ما به آنها می گوییم: از کسانی که این گونه سخنان را می گویند، بیزاری می جوییم، و بدین صورت، برائت و بیزاری شامل حال آنها می شود.

حدیث سی و نهم

عبد اللَّه بن زیاد گفت: بر امام صادق علیه السّلام در منی سلام کردیم.

سپس من به آن جناب عرض کردم: ای پسر رسول خدا، ما گروهی هستیم که همواره در حال کوچ می باشیم و نمی توانیم هر گاه بخواهیم در مجلس شما حاضر شویم، پس به ما سفارشی (نصیحتی) بفرمایید.

حضرت فرمود:

شما را به تقوای الهی، راستی در گفتار، ادای امانت، خوش رفتاری با کسی که با شما همنشینی می کند، آشکار کردن سلام و غذا دادن به دیگران سفارش می کنم. در مساجدشان نماز بگزارید،

از بیمارانشان عیادت کنید و به تشییع جنازه هایشان بروید، زیرا پدرم به من فرمود که شیعیان ما اهل بیت، بهترین افراد اقوامشان بودند. اگر [در بین خویشاوندان آنها] فقیهی، اذان گویی، امام جماعتی، شخص امینی

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۹

و امانتداری وجود داشت، از شیعیان ما بود، پس شما نیز این گونه باشید.

ما (آل محمّد علیهم السّلام) را نزد مردم محبوب و دوست داشتنی کنید و باعث کینه و نفرت آنها نسبت به ما نشوید.

حدیث چهلم

حمران بن اعین گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

امام سجّاد علیه السّلام در خانه اش نشسته بود که جماعتی در زدند.

حضرت به کنیزش فرمود: ببین چه کسی در می زند؟ آن جماعت گفتند:

ما گروهی از شیعیان شما هستیم. امام علیه السّلام چنان با شتاب از جا برخاست که نزدیک بود به زمین بیفتد. اما وقتی در را گشود و آنان را دید، بر گشت و فرمود:

دروغ می گویند. کجاست نشانه [شیعه بودن] در چهره های آنها؟

کجاست آثار عبادت؟ کجاست سیمای سجده؟ شیعیان ما، به عبادت و بندگی خداوند و ژولیدگیشان شناخته می شوند. عبادت (سجده های طولانی) بینی هایشان را مجروح ساخته، پیشانی ها و دیگر مواضع سجده آنان را پینه دار کرده، شکمهایشان به پشتشان چسبیده و لبهایشان خشکیده است.

عبادت و بندگی، صورتهای آنان را متورم ساخته، و بیداری در شب و روزه های روز، بدنهایشان را فرسوده کرده است. هنگامی که مردم ساکتند، خدا را تسبیح می کنند. آنگاه که مردم آرمیده اند، نماز بر پا می دارند و هنگامی که مردم شادمانند، آنها اندوهگینند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۱

به زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا شناخته می شوند و سخنانشان رحمت است و به [انجام کار] بهشت مشغولند.

حدیث چهل و یکم

عبید اللّه گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس به شش چیز اقرار کند، مؤمن است: بیزاری از طغیانگران و ستمگران، اقرار به ولایت [اهل بیت پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم]، ایمان به رجعت [آل محمّد علیهم السّلام]، حلال شمردن متعه، حرام دانستن مارماهی و مسح نکردن بر روی کفش.

حدیث چهل و دوم

مسعده بن صدقه گفت:

به امام صادق علیه السّلام عرض شد: چرا مؤمن تند و تیز است [و عصبانی می شود]؟ فرمود: چون عزّت و بزرگی قرآن

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۳

و ایمان خالص در قلب اوست، و او [تنها] بندگی و عبادت خدا را بجا می آورد، و از خداوند پیروی می کند، و پیامبرش را تصدیق می نماید.

عرض شد: پس چرا مؤمن گاهی نسبت به چیزی بسیار بخیل است؟

فرمود: چون آن را از راه حلال به دست آورده و طلب حلال دشوار است.

به همین علت، دوست ندارد آن را از خود جدا کند، زیرا به خوبی می داند که به دست آوردن آن، سخت و دشوار است و اگر چیزی را ببخشد، آن را به کسی که استحقاق دارد می بخشد [آن را بجا مصرف می کند] عرض شد: نشانه های مؤمن چیست؟ فرمود: چهار چیز است:

خوابش همچون خواب کسی است که در حال غرق شدن است، خوارکش مانند خوراک بیماران، گریه اش همچون گریه مادران فرزند مرده، و نشستنش همانند نشستن افراد هراسان است.

عرض شد: چرا مؤمن ازدواج می کند؟ فرمود: برای این که خودش را از زنانی که بر او حلال نیستند باز دارد و شهوتش او را به این سو و آن سو متمایل نسازد، زیرا وقتی به حلال دست یابد، به آن اکتفا کرده و

از غیر آن بی نیاز می شود.

همچنین آن حضرت فرمود: به راستی در مؤمن، سه خصلت است که در غیر او جمع نمی شود: نسبت به خدای بزرگ، معرفت و شناخت دارد. هر کس را که خداوند دوست دارد، می شناسد و به [حال] آنان که مورد خشم و غضب خدا هستند، آگاه است.

فرمود: به راستی که نیرو و قوّت مؤمن در قلب اوست. آیا نمی بینید او را در حالی که بدنی ضعیف و لاغر دارد، شبها را به عبادت می گذارند و روزها را روزه می گیرد؟

فرمود: مؤمن در دینش، از کوههای سر برافراشته، محکمتر است،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۵

زیرا [در حوادث مختلف] از کوهها کاسته می شود، ولی هیچ کس نمی تواند از دین مؤمن چیزی بکاهد. و این، به خاطر آن است که مؤمن نسبت به دینش بسیار بخیل است [تا آن را از کف ندهد].

حدیث چهل و سوم

مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام روایت کرد که: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

آیا می خواهید برایتان بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؟

به خاطر اعتماد و اطمینانی که مردم بر جانها و مالهایشان به او دارند. آیا می خواهید برایتان بگویم که مسلمان کیست؟ مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او در امان باشند. آیا می خواهید برایتان بگویم مهاجر چه کسی است؟ مهاجر کسی است که از بدیها و آنچه خداوند حرام کرده، دوری نماید.

حدیث چهل و چهارم

مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام روایت کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس کار بدش او را ناراحت کند و کار خوبش او را خوشحال نماید، مؤمن است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۷

حدیث چهل و پنجم

حبیب واسطی گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

چقدر زشت است برای مؤمن که رغبت به چیزی داشته باشد که باعث ذلّت و خواری اش گردد.

حدیث چهل و ششم

حبیب واسطی گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

برص (یک نوع بیماری پوستی است) شبیه به لعنت (دوری از رحمت خدا) است. [لذا] در ما و فرزندان و شیعیانمان وجود ندارد.

حدیث چهل و هفتم

حسین بن عمرو گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

همانا مؤمن از پاره های آهن هم سخت تر است، زیرا آهن در آتش، دگرگون می شود ولی مؤمن اگر بارها کشته شود و زنده گردد، [ایمان درون] قلبش هرگز تغییر نمی کند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۹

حدیث چهل و هشتم

مفضّل گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

همانا خداوند تعالی، مؤمنین را از یک اصل [ریشه] آفرید. نه کسی در زمره آنان وارد می شود، و نه کسی از جرگه آنان بیرون می رود. مثل آنها، مثل سر در بدن و انگشتان در کف دستهاست. هر کسی که با این [موضوع] مخالفت می کند، گواهی دهید که او حتما منافق است.

حدیث چهل و نهم

محمّد بن سلیمان دیلمی گفت: از امام جعفر صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

زمستان، بهار مؤمن است، چون شبهایش بلند است و مؤمن برای شب زنده داری اش، از آن یاری می جوید.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۱

حدیث پنجاهم

معاویه بن عمّار گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

همانا خداوند، مؤمن را از بلاهای دنیا ایمنی نبخشیده، ولی او را از کوری و شقاوت، که همان کوردلی در آخرت است،

ایمنی بخشیده است.

حدیث پنجاه و یکم

سعید بن غزوان گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

مؤمن محروم [از خیر] نیست.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۳

حدیث پنجاه و دوم

صالح بن هیثم گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

سه خصلت اگر در کسی باشد، ایمان را [در خویش] کامل کرده است: هر کس بر ظلم [و ستمی که بر او می شود] صبر کند و خشمش را فرو برد و این [عمل] را به حساب خدا گذارده و [از ظالم] درگذرد، از کسانی خواهد بود که خداوند او را وارد بهشت می کند و او در باره عدّه [زیادی از گناهکاران] که از لحاظ کثرت نفرات همچون قبیله ربیعه و مضر هستند شفاعت می کند.

حدیث پنجاه و سوم

زید گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

هرگز مؤمن نخواهید بود تا این که مورد اعتماد و اطمینان [مردم] قرار بگیرید، و نعمت فراوانی و گشایش را مصیبت بشمارید، زیرا صبر بر بلا، از عافیت در وسعت و فراخی نعمت، برتر است.

حدیث پنجاه و چهارم

مردی به امام صادق علیه السّلام عرض کرد: مؤمن را برای من وصف فرما.

حضرت فرمود:

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۵

[مؤمن] در دین قوی است و در عین نرمی، دوراندیش است. ایمانی سرشار از یقین دارد و در [فراگیری علوم دین و] فهم [آن] حریص است.

در راه هدایت با نشاط، در نیکوکاری پایدار، و دارای علمی توأم با حلم و بردباری است.

و در شکرگزاری مدارا کنند، در راه حقّ سخاوتمند، در بی نیازی و ثروتمندی میانه رو، و در فقر و نیازمندی آراسته است. هنگام توانایی با گذشت، در عین خیرخواهی مطیع و فرمانبردار، با وجود تمایل پرهیزکار از حرام است، و در مخالفت با نفس حریص، و در عین اشتغال و گرفتاری نمازگزار است، در شداید بردبار، در فتنه های تکان دهنده با وقار، در سختیها شکیبا، و در راحتی و گشایش شکرگزار است.

غیبت نمی کند، تکبّر نمی ورزد، از خویشاوندی اش نمی برد، و سست اراده و بد اخلاق و درشت خو نیست.

طغیان و سرکشی اش بر او پیشی نمی گیرد، شکمش او را رسوا نمی سازد، شهوتش بر او غالب نمی شود، به مردم حسد نمی ورزد و اسراف و تبذیر ندارد.

مظلوم را یاری می نماید و بر تهیدستان رحم می کند. نفسش را به رنج و سختی می اندازد، اما مردم از او در آسایشند. به دنیا میل و رغبتی ندارد، و از هول و هراسهای مردم اهل دنیا نمی ترسد. مردم، به همّ و غم

خود روی آورده اند و مؤمن نیز همّ و غمّی دارد که او را به خود مشغول داشته است.

در حلم و بردباری اش کاستی نیست. در رأی و نظرش سستی راه ندارد، و در دینش تباهی دیده نمی شود.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۷

کسی را که با او مشورت کند، راهنمایی می نماید، و یاری دهنده اش را کمک می کند. از باطل، سخن زشت و جهل و نادانی می پرهیزد. و اینها صفات مؤمن است.

حدیث پنجاه و پنجم

ابو العلاء گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

مؤمن کسی است که هر چیزی از او می ترسد (حساب می برد) و این بدان علّت است که مؤمن در دین خدا صاحب عزّت است و از چیزی نمی هراسد. و این نشانه هر مؤمنی است.

حدیث پنجاه و ششم

صفوان جمّال گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هر چیزی مطیع و فرمانبردار مؤمن است. و در ادامه فرمود: وقتی مؤمن قلبش را برای خدا خالص کند، خداوند نیز هر چیزی، حتّی خزندگان گزنده زمین و درندگان و پرندگان آسمان را از او می ترساند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۹

حدیث پنجاه و هفتم

عمّار ساباطی گفت: از امام صادق علیه السّلام سؤال شد: آیا اهل آسمان، اهل زمین را می بینند؟ فرمود:

تنها مؤمنین را می بینند، زیرا [طینت] مؤمن از نوری است، همچون نور ستارگان. به آن حضرت عرض شد: پس آنها (اهل آسمان) اهل زمین را می بینند. فرمود: نه، نور او (مؤمن) را به هر سمت که روی نماید می بینند. و در ادامه فرمود: در روز قیامت، برای مؤمن پنج موقعیت زمانی است که در آن شفاعت می کند.

حدیث پنجاه و هشتم

زیاد قندی گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

یاری خداوند برای مؤمن، همین بس که ببیند دشمنش معصیت خدا را انجام می دهد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۰۱

حدیث پنجاه و نهم

حادثی گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

مردی که در او بخل و حسد و ترس باشد، مؤمن نیست و مؤمن، ترسو و بخیل و حریص نمی باشد.

حدیث شصتم

جماعتی از امام جعفر صادق علیه السّلام نقل کرده اند که فرمود:

مؤمن علیه نفس خود، از هفتاد مؤمن علیه او راستگوتر است.

حدیث شصت و یکم

حارث پسر دلهاث، غلام امام رضا علیه السّلام گفت: شنیدم آن حضرت فرمود:

مؤمن، مؤمن [واقعی] نیست مگر این که در او سه خصلت باشد:

روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش، و روشی از امامش.

امّا روش پروردگارش: پوشاندن اسرارش می باشد، چرا که خدای بزرگ [در قرآن] فرمود: «خداوند، عالم به غیب است و بر غیبش کسی را آگاه نمی کند مگر پیامبری را که پسندیده است» (جنّ- ۲۶) و اما روش پیامبرش: سازش و مدارا با مردم است.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۰۳

همانا خداوند به پیامبرش امر فرموده که با مردم مدارا و سازش نماید [آنجا که] می فرماید: «عفو و بخشایش را پیشه خود ساز و به خوبی و نیکی امر کن و از جاهلان روی بگردان» (اعراف- ۱۹۹) و امّا روش امامش: صبر کردن بر سختی جنگ با دشمن، و سختی فقر و تنگدستی است. خدای بزرگ [در قرآن] می فرماید: «و صبرکنندگان در سختی محاربه با دشمن و سختی فقر و تنگدستی» (بقره- ۱۷۷)

حدیث شصت و دوم

عبد اللّه پسر امام موسی بن جعفر علیهما السّلام گفت:

از آن حضرت در باره دو فرشته ای که بر انسان گمارده شده اند، سؤال کردم: وقتی بنده ای اراده می کند گناهی مرتکب

شود و یا کار خوبی انجام دهد، قبل از آن که آن عمل را انجام دهد، آیا آن دو فرشته می دانند؟ فرمود:

آیا بوی بـد و خوب نزد تو یکسان است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: وقتی بنده ای قصد انجام کار خوبی را می کند، نفسـش با بوی خوب [از دهانش] بیرون می آید و فرشـته ای که برطرف راست انسان گمارده شده به فرشته سمت چپ می گوید: دست نگه دار، او قصد کرده کار خوبی انجام دهد، و

زمانی که آن را انجام می دهـد، زبانش قلم و آب دهانش مرکّب فرشـته می شود و آن کار خیر را برایش ثبت می کنـد، و هر گاه قصد انجام کار بدی را نماید، نفسش با بوی بد [از دهانش] بیرون می آید

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۰۵

و فرشـته سـمت چپ به فرشـته سـمت راست می گویـد: دست نگه دار، او قصـد کرده گناهی را مرتکب شود، و زمانی که آن گناه را انجام دهد، زبانش قلم و آب دهانش مرکّب فرشته می شود و آن گناه را برای او ثبت می کند.

حدیث شصت و سوم

محمد بن حنفیّه گفت: هنگامی که امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از جنگ جمل به بصره آمد، احنف پسر قیس، آن حضرت را دعوت کرد و غذایی آماده نمود و آن جناب و یارانش را [به خانه اش] دعوت کرد.

حضرت تشریف آورد و فرمود: ای احنف، به یاران من بگو که داخل شوند. جماعتی خاشع و فروتن که [از شدّت عبادت لاغر شده و] مانند مشکهای خشکیده بودند وارد شدند.

احنف پسـر قیس عرضه داشت: یا امیر المؤمنین، این چه حال و وضـعی است که بر اینها وارد شـده؟ آیا از کم غذایی است؟ یا از ترس جنـگ است؟ حضـرت فرمـود: نه ای احنـف، همانـا خـدای سـبحان، گروهی را که در این دنیـا او را عبـادت می کنند دوست دارد، [زیرا عبـادت آنهـا شبیه است به] عبـادت کسـانی که علم و آگاهی به نزدیک بودن قیامت به آنان هجوم آورده، قبل از آن که آن را مشاهده نمایند، لذا خودشان را به جهد و کوشش واداشته اند.

[آنان آن گونه بودند که] وقتی صبح روز عرضه شدن اعمال را به پیشگاه خدای سبحان به

یاد می آوردند، گمان می کردند که شعله بزرگی از آتش جهنّم بیرون می آید و همه خلایق را در پیشگاه پروردگارشان جمع می کند.

[همچنین وقتی] تصور می کردند هنگام بیرون آمدن نامه اعمالشان در برابر همه مردم، زشتیهای گناهانشان آشکار می شود، نزدیک بود جانهایشان [از ترس] ذوب شود و یا قلبهایشان با بالهای ترس به پرواز درآید.

وقتی خود را در پیشگاه خداوند تنها احساس می کردند، «۱» همچون دیگ جوشانی به جوش و خروش درآمده و عقل از آنان رخت برمی بست. آنها مانند کسی که در ظلمت تاریکیها حیران و سرگردان است، ناله و فریاد می زدند، و از ترس آنچه که نفسهایشان را بر آن آگاه کرده بودند، درد و رنج می کشیدند. پس [دنیا را] با اجسامی خشکیده، قلبهایی اندوهگین، چهره هایی دگرگون، لبهایی خشکیده و شکمهایی تهی سپری نمودند.

تو آنها را [همچون] مستانی می بینی که از ترس [خدا] شبها نمی خوابند، و در برابر خداوند آن چنان خاشع و فروتنند که گویی همچون مشکهایی پوسیده اند و اعمال پنهان و آشکارشان را برای خدا خالص کردند. قلبهایشان از ترس خدا به ایمنی دست نیافت، بلکه همانند نگهبانان قبّه و بارگاه خواجگان [پیوسته مراقب و هراسان] بودند.

اگر آنها را در شب، هنگامی که چشمها به خواب رفته و صداها آرام گشته و جنب و جوش پرندگان در لانه هایشان ساکن گشته، بنگری [خواهی دید] که ترس از روز قیامت و وعده عذاب الهی، خواب را از چشمانشان ربوده است، همان گونه که خدای سبحان [در قرآن] فرموده:

---

(۱)- ترجمه این قسمت، مطابق با نسخه کتابخانه مجلس است که ظاهرا صحیحتر به نظر می رسد.

«آیا

اهل شـهرها ایمن شدنـد از این که شب هنگام که در خوابنـد، عذاب ما آنها را فرا گیرد» (اعراف- ۹۷) پس هراسان بیدار می شوند و در حالی که با صدای بلند گریه می کنند، نماز به پا می دارند.

گـاهی گریه می کننـد و گاهی تسبیـح خـدا را می گوینـد. در محراب عبادتشان گریه می کننـد و ناله و فریاد بر می آورنـد و شبهای تاریک و خاموش، صف زده [در پیشگاه خداوند] می گریند.

پس ای احنف، اگر آنها را در شب هنگامی که به عبادت ایستاده اند بنگری [می بینی] که پشتشان خم گشته، و قسمتهایی از قرآن را در نمازهایشان تلاوت می کننـد و صدای گریه و ناله و فریادشان بلند گردیده است. وقتی نفس می کشـند، گمان می کنی کـه آتش، حلقومشـان را گرفتـه و وقـتی صـدایشان را بـه گریـه بلنـد می کننـد، می پنـداری کـه زنجیرهـا بـه شـدّت بر گردنهایشان بسته شده است.

امـا اگر آنهـا را در روز بـبینی، جمـاعتی را می بینی کـه به آرامی بر روی زمین راه می رونـد و بـا مردم به نیکـویی سـخن می گوینـد، «و وقتی جاهلان با آنان خطاب و عتاب می کننـد، با نرمی و مدارا به آنها جواب می دهند»، «و چون به کارهای لغو و بیهوده برخورد می کنند، با کرامت و بزرگواری از آن می گذرند».

قـدمهایشان را از [مواضع] تهمت باز داشـته انـد، زبانهایشان را از این که در مورد آبروی مردم سـخنی بگوید، لال کرده اند، و گوشـهایشان را از شنیدن سخنان بیهوده دیگران کر کرده اند، چشمهایشان را با چشم پوشی از گناهان سرمه کشیده اند (زینت داده اند) و سـرای سـلامتی (بهشت) را قصد نموده اند، همان سـرایی که هر کس وارد آن شود، از شـکها و اندوهها ایمنی می یابد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱۱

پس

ای احنف، شاید توجه به دنیا، تو را بازداشته از این که به سرایی توجه کنی که خداوند سبحان، آن را از لؤلؤ سفید آفریده و در آن، رودها را جاری کرده، از حوریان جوان، سرشارش ساخته و سپس دوستان و اهل طاعتش را در آن مأوا داده است.

ای احنف، اگر آنها را ببینی در حالی که بر نعمتهای فراوان پروردگارشان وارد شده اند، [در می یابی] وقتی که آهنگ حرکت می نمایند و شترانی که سوار ندارند، یدک می شوند، قافله شان آهنگی را ترنّم نماید که هیچ گوشی صدایی به این زیبایی نشنیده است و ابری بر ایشان سایه افکنده که مشک و زعفران بر آنها می بارد. اسبانشان در بین درختان این باغها شیهه می کشند، شترانشان بین توده های زعفران، برای آنها راه باز می کنند و در زیر پاهایشان درّ و مرجان می غلطد. [در این هنگام] کارگزاران بهشت با دسته های بزرگ گلهای خوشبو، به استقبال آنها می آیند و نسیم ملایمی از جانب عرش بر آنها می وزد که گلهای یاسمن و بابونه را بر سر آنان می افشاند.

آنگاه به سوی در بهشت می روند و رضوان (خازن بهشت) در را به رویشان می گشاید و آنها در آستانه در بهشت، برای خداوند به سجده می افتند و پروردگار عالم، خطاب به آنها می فرماید:

«سر از سجده بردارید که من رنج عبادت را از شما برداشتم

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱۳

و در بهشت، شما را جای دادم». پس ای احنف، اگر آنچه را که در ابتدای سخنم، برایت بازگو نمودم فراموش کنی [و نسبت به آن بی توجه باشی]، در پیراهنهایی از قطران (ماده سیاه و بدبویی که به بدن شترانی که بیماری پوستی دارند می مالند)

واگذاشته می شوی و بین طبقات جهنّم و بین آب داغ و جوشان می گردی و از نوشیدنی که در نهایت جوشش و داغی است می نوشی. پس در آن روز (قیامت)، چه بسیار پشتهایی که در آتش شکسته می شود، و چهره هایی که [در اثر سوختن] درهم می شکند، و زشت رویانی که بینی شان درهم کوبیده می شود. و این، در حالی است که غل و زنجیرها، دستهایشان را به شدت مجروح کرده، و طوق آتش بر گردنشان افکنده شده است. ای احنف، اگر آنها را ببینی، در حالی که از درّه های (جهنّم) پایین می آیند و از کوههای آن بالا می روند، و لباسهایی از قطران بر تن دارند. با زشتکاران و شیاطین در دوزخ همنشین گشته اند و وقتی فریادرسی می طلبند [ظاهرا حذفی در عبارت رخ داده است] به بدترین وجهی با آتش سوزان فریادرسی می شوند، [اذیت و آزار] عقربها و مارهای جهنّم بر آنها افزون می شود. و اگر ببینی منادی را که فریاد بر می آورد: ای اهل بهشت و اهل نعمتهای آن و ای اهل لباسهای زیبا و زیورهای آن، جاودان باشید که دیگر مرگی نخواهد بود، [خواهی دید که] امید اهل دوزخ به ناامیدی می گراید، و درهای [رحمت خداوند و یا جهنم] به رویشان بسته می شود و درمانده می شوند (دستشان از همه جا کوتاه می شود). در آن روز، چه بسیار پیرمردانی که فریاد برمی آورند: ای وای بر پیری ما، و چه بسیار جوانانی که فریاد می زنند: ای وای بر جوانی ما، و چه بسیار زنانی که فریاد می زنند: ای وای بر رسوایی ما، زیرا پرده هایشان (حجابهایی که خداوند در دنیا بر اعمال زشتشان کشیده بود) دریده می شود. در آن روز،

چه بسیار گناهکارانی که در طبقات جهنّم زندانی شده اند [و منادی ندا می دهد] ای وای بر تو از آنچه تو را فرا می گیرد (منظور لباسی که تمام بدن او را می پوشاند) بعد از پوشیدن لباسهای نرم و لطیف [در دنیا] و نوشیدن آب سرد و خنک در زیر سایه دیوارها و خوردن غذاهای رنگارنگ،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱۵

لباسی بر تو می پوشانند که موهای سیاهت را سفید می کند و چشمهایت را که با آن به هر چه دوست داشتی می نگریستی کور می کند و از حدقه بیرون می آورد. این عذابی است که خداوند آن را برای گناهکاران آماده کرده، و آن (بهشت) نعمتی است که خداوند برای پرهیزکاران مهیّا فرموده است.

حدیث شصت و چهارم

محمّد بن مسلم و دیگران نقل کرده اند که امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود:

از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در مورد بهترین بندگان خدا سؤال شد. حضرت فرمود: بهترین بندگان خدا کسانی هستند که وقتی خوبی می کنند، خوشحال می شوند. هنگامی که بدی می کنند، آمرزش می طلبند. وقتی به آنها نعمتی داده می شود، شکر گزارند.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱۷

هنگامی که گرفتار می شوند، صبر می کنند و هر گاه خشمگین می شوند گذشت می کنند.

حدیث شصت و پنجم

از امام حسن عسکری علیه السّلام روایت شده که آن حضرت از پدرش از اجداد طاهرینش نقل فرمود:

روزی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به یکی از اصحابش فرمود: ای بنده خدا، حبّ و بغضت باید در راه خدا باشد و در راه خدا دوستی و دشمنی کن، زیرا جز به این طریق به ولایت خدا نخواهی رسید. نیز هیچ کس طعم ایمان را نمی چشد، اگر چه زیاد نماز بخواند و بسیار روزه بگیرد، مگر این که این گونه [که گفتم] باشد. امروزه بیشتر دوستی ها و برادری های مردم برای دنیاست. به خاطر دنیا با یک دیگر دوست می شوند و دشمنی می کنند و این گونه اعمال، عذاب خدا را از آنها باز نمی دارد.

آن صحابی به حضرت عرضه داشت: چگونه می توانم بفهمم

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱۹

که دوستی و دشمنی ام برای خداست، چه کسی دوست خداست تا او را دوست بدارم و چه کسی دشمن خداست تا با او

دشـمنی کنم؟ رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم به سوی علی علیه السّـلام اشـاره کرد و فرمود: آیا این مرد را می بینی؟
عرض کرد: آری. فرمود:

دوست این، دوست خداست پس او را دوست بدار. و دشمن این، دشمن خداست پس او را دشمن بدار.

دوستدار این را دوست بدار، اگر چه قاتل پدر و فرزندت باشد و دشمن این را دشمن بدار، اگر چه پدر و فرزندت باشد.

حدیث شصت و ششم

ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از اجداد طاهرینش علیهم السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

همانا برای اهل دین نشانه هایی است که به آن شناخته می شوند: راستی در گفتار، ادای امانت، وفای به عهد، صله رحم، ترحّم بر ضعیفان، کم با زنان موافقت کردن، خوبی کردن به دیگران، خوش خلقی، گشاده رویی، پیروی از علم و آنچه او را به خدا نزدیک می کند.

طوبی برای آنها است و محلّ بازگشتشان نیکوست،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۲۱

و طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است، و هیچ مؤمنی نیست مگر این که در خانه اش یک شاخه از آن (درخت طوبی) وجود دارد [آن گونه که] مؤمن هر چه بخواهد، شاخه طوبی، آن را برایش حاضر می کند.

[درخت طوبی به اندازه ای بزرگ است که] اگر سوارکار کوشایی صد سال در زیر سایه آن بتازد، از زیر آن بیرون نمی رود، و اگر کلاغی از پایین آن به پرواز درآید، هنوز به بالای آن نرسیده از شدّت پیری به زمین خواهد افتاد. آگاه باشید، در این [گونه نعمتها] باید رغبت نمایید.

همانا نفس مؤمن، به خودش مشغول است و مردم از او در آسایشند. هنگامی که شب، او را فرا می گیرد، رویش را بر زمین می ساید و برای خدای بزرگ سجده

می کند و با خالق خود، در باره رهایی اش از آتش جهنّم مناجات می کند. پس [شما هم] این گونه باشید.

حدیث شصت و هفتم

عبد اللَّه بن مسکان گفت: امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

خداوند متعال، رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را به مکارم اخلاق اختصاص داد.

پس شما [در ارتباط با آن ویژگیها] خودتان را بیازمایید، اگر آن صفات در شما بود، شکر خدا را بجا آورید و افزونی آن را از خداوند درخواست کنید.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۲۳

سپس در طی ده مورد، آن خصایص را یادآور شد [که عبارتند از]:

یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوش خلقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی.

حدیث شصت و هشتم

عبد العظیم حسنی گفت:

بر آقا و سیّدم، علیّ بن محمّد بن علیّ بن موسی بن جعفر صادق علیهم السّلام وارد شدم. هنگامی که آن حضرت مرا دید فرمود:

آفرین بر تو ای ابا القاسم، تو از اولیای حقیقی ما هستی. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، می خواهم دینم را بر شما عرضه کنم که اگر پسندیدید بر آن ثابت بمانم تا خداوند عزّ و جلّ را ملاقات نمایم.

امام علیه السّلام فرمود: ای ابا القاسم، [عقایدت را] عرضه بدار. گفتم:

عقیده دارم که خدا یکی است و مثل و مانندی ندارد، بیرون از حدّ ابطال «۱» و حدّ تشبیه «۲» است، جسم نیست و صورت و عرض و جوهر ندارد، بلکه او ایجادکننده اجسام، صورتگر صورتها، آفریننده عرضها و جوهرهاست،

---

(۱)- حدّ ابطال- یعنی عقیده به اینکه خداوند هیچ صفتی ندارد.

(۲)- حدّ تشبیه- یعنی عقیده به اینکه خداوند به گونه ای با مخلوقاتش مشابهت دارد.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۲۵

او پروردگار همه چیز است و مالك و خالق و پدید آورنده آنهاست، حکیمی است که کار زشت انجام نمی دهد و در آنچه باید انجام دهد،

اخلال نمی کند.

عقیـده دارم که محمّـد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنـده و فرسـتاده او و خـاتم پیـامبران است و بعـد از او تـا روز قیـامت، هیچ پیامبری نخواهد آمد.

معتقدم شریعت (دین) او پایان دهنده تمام ادیان و شرایع است و بعد از آن تا روز قیامت هیچ دینی نخواهد بود.

عقیـده دارم امـام و جانشـین و صـاحب اختیـار بعـد از پیامبر صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّـلام است. سـپس حسن و حسـین، علی پسـر حسـین، محمّد پسر علی، جعفر پسر محمّد، موسی پسر جعفر، علی پسر موسی، محمّد پسر علی علیهم السّلام و آنگاه تو، ای آقای من.

امام هادی علیه السّـلام فرمود: و بعـد از من، حسن پسـرم. و چه [بـد] حالی مردم با جانشـین بعـد از او خواهنـد داشت؟! عرض کردم: چرا حال مردم این گونه خواهد بود؟

فرمود: زیرا او را نمی بیننـد و جـایز نیست نـامش را بر زبـان آورنـد تا زمانی که خروج کنـد و زمین را از عـدل و داد پر کنـد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

عرض کردم: اقرار می کنم و عقیده دارم که دوست آنها، دوست خدا و دشـمن آنها، دشـمن خدا، و اطاعت از آنها، اطاعت از خدا، و نافرمانی آنها، نافرمانی خداست. و معتقدم معراج، حقّ است. سؤال در قبر، حقّ است. بهشت و دوزخ، حقّ است.

صراط و میزان، حقّ اسـت. عقیـده دارم قیـامت، که شـکّی در آن نیست، خواهـد آمـد و خداونـد مردگـان را از گورهـا برمی انگیزد. نیز معتقدم که واجبات بعد از ولایت، نماز، زکات، روزه،

حجّ، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، و [رعایت] حقوق پدر و مادر است. و [در خاتمه] نیز عرض کردم: این [عقاید] دین و مذهب و باورهای من است که شما را بر آن آگاه کردم.

سپس حضرت علیّ بن محمّد علیهما السّلام فرمود: ای ابا القاسم، به خدا سوگند، این [عقاید] دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است، پس بر آن ثابت قدم باش. خداوند تو را در دنیا و آخرت به سخن حقّ [عقیده بر ولایت اهل بیت علیهم السّلام] ثابت بدارد.

حدیث شصت و نهم

عماره گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس چهار چیز را انکار کند، شیعه ما (آل محمّد) نیست:

معراج [رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم]، سؤال [نکیر و منکر] در قبر، خلق شدن بهشت و جهنّم و شفاعت.

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۲۹

حدیث هفتادم

حسن بن علیّ بن فضّال گفت: حضرت امام رضا علیه السّلام فرمود:

هر کس معراج [رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم] را تکذیب کند، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را تکذیب کرده است.

حدیث هفتاد و یکم

فضل بن شاذان گفت: حضرت امام رضا علیه السّلام فرمود:

هر کس به یگانگی خدا اقرار کند و مشابهت خدا را با خلقش انکار نماید، و خدا را از آنچه شایسته او نیست منزّه بدارد و اقرار کند که او صاحب نیرو، قدرت، اراده، خواست، خلق، امر، قضا و قدر است و افعال بندگان، به گونه خلق تقدیری و نه خلق تکوینی، مخلوق اوست و گواهی دهد که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسول خدا و علی علیه السّلام و سایر امامان بعد از او علیهم السّلام حجّتهای خداوند هستند، و دوستان آنها را دوست بدارد، و دشمنانشان را دشمن بدارد، از گناهان کبیره دوری کند،

صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۳۱

به رجعت و دو متعه (متعه حجّ و متعه نساء) «۱» اقرار کند، به معراج و سؤال [نکیر و منکر] در قبر، حوض کوثر، شفاعت، خلق شدن بهشت و دوزخ، پل صراط، ترازوی [سنجش اعمال]، برانگیخته شدن [از قبر]، دوباره زنده شدن، پاداش [نیک و بد

اعمال] و حسابرسی [در روز قیامت] ایمان آورد، مؤمن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت علیهم السّلام می باشد.

حمد و سپاس از آن خداوندی که پروردگار جهانیان است و درودهای [بی پایان] او بر محمّد و آل پاکش باد.

---

(۱)- متعه حجّ: یعنی هر کس پس از انجام اعمال حجّ و پایان طواف کعبه، می تواند از آنچه هنگام

احرام بستن بر او حرام شده بود تمتّع برگیرد (فرهنگ دهخدا) و متعه نساء: همان ازدواج موقّت است. از جمله بدعتهای عمر این بود که این دو متعه را بعد از پیامبر منع کرد و هر کس این دو متعه را انجام می داد، عقوبت می کرد.

ابن بابویه، محمد بن علی - توحیدی، امیر، صفات الشیعه / ترجمه توحیدی، ۱جلد، انتشارات زراره - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹